

## ریشه‌های اقتصاد پایدار

توانمندی واحدهای اقتصادی با تقویت محیط کسب و کار از دیدگاه خرد دست یافتنی است.



لازم به ذکر است که زیر متغیرها فراوانند و چند مثال در این زمینه، مسأله را روشن تر می نماید. در کارآمدی بازارها می توان به درجه آزاد بودن اقتصاد و به خصوص قیمت ها اشاره داشت. قیمت های کنترل

شده، اقتصاد ما را مخدوش کرده و ما را به سر منزل مقصود نخواهد رساند. به علاوه، قیمت ها، در عین آزادی، باید از ثبات طبیعی برخوردار باشند و از تورم خانمان سوزی که عمدتاً به ناکارآمدی دولت و فقدان انضباط مالی آن باز می گردد، به دور باشند. این خود، عدالت را در سطوح تولیدکننده و مصرف کننده گسترش خواهد داد. از سوی دیگر، تسهیلات مالی نباید در انحصار دولت و شرکت های دولتی قرار گیرند و دولت نباید با ازدحام مالی، منابع را بلعد.

سودهای بازرگانی و تعرفه های واردات یا صادرات نباید آن چنان باشند که با ولنگاری، صنایع داخل را از بین ببرند یا مانع ورود مواد اولیه و کالاهای سرمایه ای با قیمت معقول شوند و یا سدنی در مقابل صادرات ایجاد کنند.

سرمایه گذاران داخلی و خارجی باید بر مالکیت خود مدیریت تام داشته باشند و حتی آن را آزادانه و با هزینه ناچیز بتوانند منحل کنند. خارجی ها باید بتوانند همان طور که سرمایه را به سهولت وارد می کنند، آن را خارج نمایند. توجه شود که ثبات ارزی را باید با ابزاری دیگر و با انضباط مالی حفظ نمود، نه با ممنوع کردن خروج سرمایه خارجی (در بورس و یا سرمایه گذاری مستقیم).

سازوکار سرمایه گذاری مشترک داخلی و خارجی باید به سهولت در دسترس باشد و مورد تشویق قرار گیرد. شدت دیوانسالاری باید به حداقل رسیده و تنها برای نظارت منطقی اعمال شود. کسورات از درآمدها و منابع واحدها، مثل مالیات بر درآمد (که مقبول است)، بیمه اجتماعی، بیمه بیکاری و سایر عوارض خرد و کلان، باید در سطح حداقل بمانند.

ثبات (و انحلال) شرکت باید آسان باشد؛ در حالی که در کشور ما هر دو به سختی صورت می گیرند و اکثر شرکت هایی که باید منحل شوند به امان خدا رها می شوند و فقط از فعالیت و چشم ها پنهان می شوند - آنها هیچگاه منحل نمی شوند.

انحصارها از هر نوع (دولتی، عمومی، شبه دولتی، نظامی و ...) باید به حداقل کاهش یابند و یا قواعد بازی مشخص شوند تا همه گروه ها بتوانند به صورتی شفاف به رشد اقتصادی و رفاه جامعه کمک کنند.

زیر بناها از جمله اطلاعات، باید مهیا و سیال باشند. سیاست خارجی باید بستر مناسب را برای فعالیت اقتصادی پایدار در نظام جمهوری اسلامی پایدار ایجاد کند. تنها در این شرایط مطلوب است که واحدهای اقتصادی، مدیریت و نیروی کار کشور قدرتمند می شوند و لذا:

- سرمایه گذاری ها سرعت می گیرند.
- اشتغال سریعاً ایجاد می شود.
- فن آوری بومی شکوفا می شود.
- خصوصی سازی مردمی، و ورود بخش خصوصی کوچک و بزرگ فراگیر می شود.
- توازن اقتصادی - اجتماعی - سیاسی در جامعه شکل می گیرد که خود یکی از ملزومات پایداری است.

### نمرات بد

متأسفانه در رتبه بندی های جهانی، محیط کسب و کار کشورمان (همان طور که

در اکثر کشورهای جهان، تمرکز سیاست ها و سیاست گذاری ها عمدتاً بر شرکت ها است. دلیل آن هم واضح است: اقتدار ملی و کلان - با تجمیع - از اقتدار خرد سرچشمه می گیرد.

ولی متأسفانه پول نفت، بودجه دولت، حجم بزرگ شرکت ها، ناکارآمدی بانک های دولتی و هزاران درد دیگر، دولتمردان، سیاست گذاران، نمایندگان مجلس و اکثر استادان، مدیران و کارشناسان کشورمان را به تفکر در مورد مسایل کلان سوق و عادت داده و ما را از مسایل خرد غافل نموده است. در ۵۰ سال اخیر، کمتر به شرکت ها، مدیریت ها و امثالهم پرداخته ایم و اگر هم به این موضوعات پرداخته شده، بیشتر از لحاظ تغییر و تحول و بُعد سیاسی آن بوده است. عدم تمرکز سیاست گذاری ها بر واحدهای اقتصادی و محیط کسب و کار آنها موجب می شود ما هیچگاه به اقتدار اقتصادی مطلوب دست نیابیم.

فرمایشات مقام معظم رهبری در راستای سیاست های کلی اصل ۴۴ زیرساخت هایی لازم دارد که باید آنها را مهیا کرد. بینش ایشان در راستای اول شدن ایران در منطقه در سال ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) می طلبد تا محیط کسب و کار واحدهای اقتصادی که قرار است اکثراً خصوصی باشند اصلاح و آماده شود. بدون یک محیط کسب و کار مطلوب، توانمندی (Empowerment) بخش خصوصی و حتی دولتی، شبه دولتی، عمومی و امثالهم در تردید بوده و میسر نیست.

همچنین، در راستای الحاق به سازمان تجارت جهانی به عنوان عضو دائم - که خوشبختانه دولت جمهوری اسلامی ایران در طول سال های اخیر در این زمینه فعالیت های شایان توجهی داشته است - توجه به این مهم لازم است که در دنیایی که رقابت های جهانی و حضور در مسابقه ای آزاد ضمانت توسعه پایدار کشورها است، بدون توجه به مزیت های نسبی و بدون تقویت زیرساخت های تولید - خصوصاً در بخش هایی که در آنها مزیت نسبی داریم - می تواند به حذف کشور از مرحله ابتدایی رقابت منجر شده و محرومیت از نیل به سکوهایی برتر مسابقات را به همراه داشته باشد. بی شک، مدال طلای این مسابقات از آن کشوری است که از مربیان ماهر، محیط تمرین مناسب و شناخت دقیق از حریف و اتخاذ تدابیر صحیح بهره مند باشد.

در این راستا می توان به محیط کسب و کار که یکی از عوامل تضمین کننده حیات سرمایه گذاری در کشور بوده و قلب تپنده جامعه و اقتصاد پویای کشور به حساب می آید اشاره کرد که تولیدکننده را به تولید بیشتر و جامعه را به پویایی بیشتر هدایت خواهد کرد.

### درونی و بیرونی

محیط کسب و کار در ادبیات علمی، به محیط "بیرونی" شرکت ها مرتبط می شود. به عبارت دیگر، عوامل محیط کسب و کار در کنترل مدیران و سهام داران واحدهای اقتصادی نمی باشند. از سوی دیگر، محیط کسب و کار و متغیرهای مرتبط با آن را می توان در هفت حوزه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قانونی، اخلاقی/ارزشی، فن آوری و بین المللی تعریف کرد. البته موضوع را می توان خلاصه تر کرده و مهمترین متغیرهای برون زای یک واحد اقتصادی را به صورت زیر دسته بندی کرد:

- (۱) کارآمدی بازارها و کارآفرین پذیر بودن اقتصاد
- (۲) انعطاف پذیری بازار کار (در رابطه با نیروی انسانی و مدیریت)
- (۳) عمق، تنوع و قابلیت تأمین مالی نهادها و بازارهای مالی
- (۴) گستردگی و آمادگی زیر بناها (از جمله "اطلاعات") و محیط مستعد فن آوری
- (۵) حاکمیت و کارآیی دولت
- (۶) درجه باز بودن اقتصاد و محیط بین الملل
- (۷) محیط سازگار مدنی، اجتماعی و سیاسی

درصنحات ۲۸-۲۳ می خوانید)، مطلوب نیست. ایران در بین ۱۷ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا در رده ۱۶ قرار گرفته و از لحاظ شاخص آزادی اقتصاد در بین ۱۵۷ کشور در رتبه ۱۵۱ جای دارد. به علاوه، در میان ۱۷۵ کشور جهان، در تأسیس و راه اندازی یک شرکت رتبه ۷۷، در اخذ مجوز رتبه ۱۶۴، در استخدام و اخراج پرسنل رتبه ۱۴۱ و به طور کلی، در

راهکار اصلاح ساختاری نرخ سود / بهره

## بهای پول باید واقعی باشد!

در صورت غیرواقعی بودن بهای پول (سود / بهره)، کفه ترازوی معاملات به نفع کالا سنگینی کرده و تورم را افزایش می دهد.



افزایش قیمت مورد انتظار (در اثر گذشت زمان) و هزینه بهره، یعنی محروم بودن از تبدیل کالا به پول، مقایسه اقتصادی به عمل می آید. در حالی که با بهره مندی از پول ارزان قیمت، نیازی به این گونه ارزیابی ها نبوده و کفه ترازو به نفع حفظ کالا که رشد قیمت آن پرشتاب تر از نرخ بهره است، سنگینی می کند.

چکیده پیشنهاد آن که، باید نرخ بهره تابعی از نرخ تورم باشد که توسط بانک مرکزی و بانک های دولتی اعمال گردد. مضافاً در کنار بانک های دولتی، باید بانک های خصوصی را در چارچوب قوانین عمومی مملکتی آزاد گذاشت تا خود بر اساس انواع خدمات بدیع و جدید، نرخ های متفاوت و غیردیگته ای تعیین نمایند. این آزادی عمل بانک های خصوصی به طور حتم، شرایطی را فراهم می کند تا بخش قابل توجهی از متقاضیان بازار آزاد پول (بازار سیاه)، از طریق این بانک ها، نیاز خود را تأمین کنند و در نتیجه، بازار پول (اعم از عرضه و تقاضا) در بستر قانونی و شفاف متعادلی جریان یابد و بخش سیاه آن، محدود و ناچیز گردد.

### انبساطی یا انقباضی؟

اصولاً انجام هر عمل اقتصادی، به ویژه در سطح خرد می بایستی سودی به همراه داشته باشد. تورم را می توان به استهلاک سرمایه های فنی تشبیه کرد، بدین معنی که در صورت وجود تورم سالانه ۱۵ درصد، با ۱۱۵ واحد پول می توان قدرت خرید ۱۰۰ واحد پول سال قبل را حفظ کرد. حال، کسانی که می خواهند پول معامله کنند، چه سپرده گذاران و پس اندازکنندگان شخصی خرد و چه بانک ها و مؤسسات مالی، به بهایی این داد و ستد را انجام می دهند که برای آنها سودی متصور باشد. در غیر این صورت، دلیلی ندارد که داشته خود را به بهای نازل تر و زیان آوری در اختیار دیگران قرار دهند. به این نکته نیز باید توجه داشت که پول، یک طرف هر نوع داد و ستدی است و از بالاترین انعطاف در قیاس با هر نوع دارایی برخوردار می باشد. فرضاً دارنده یک ملک یا اتومبیل یا دیگر کالاها فاقد انعطاف لازم برای داد و ستد است و ابتدا باید دارایی خود را به پول تبدیل کرده، سپس معامله مورد نظر خود را انجام دهد. این قدرت عمل نامحدود و سرعت بالای پول، خود امتیاز دیگری است و در اقتصاد، بهایی دارد که باید در نرخ بهره، منظور و لحاظ گردد. جان کلام آن که، هرگاه مساعی دولت برای کنترل تورم، نتیجه مورد انتظار را به بار نیاورد، توسل به کم کردن نرخ بهره پول، خطای دیگری است که به تشدید تورم منتهی می شود، زیرا این سیاست در ذات خود، زمینه انبساطی داشته و امواج نقدینگی و تورم را دامن می زند. شایان ذکر است که در تمام کشورها - بدون استثنا - افزایش نرخ بهره شرایط انقباضی و کاهش آن، وضعیت انبساطی را به وجود می آورد. اینک چگونه است که ما در کشور، با رشد انفجاری نقدینگی ۳۰ تا ۴۰ درصدی، قصد داریم از طریق کاهش نرخ بهره، شرایط انقباضی و کاهش تورم را ایجاد کنیم؛ این موضوع قابل هضم نیست. ■

به دنبال درخواست آقای احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران، در رابطه با ارایه راه حل های کاربردی در اقتصاد، ۵۷ نفر از اقتصاددانان کشور، طی جلسه ای با رئیس جمهور، به ارایه راهکارهایی پرداختند. در این راستا، آقای سید محمد تقی سیدصدر، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران، راهکار اصلاح ساختاری نرخ بهره را ارایه دادند (که با بازنگری اخیر توسط ایشان) از نظر خوانندگان ماهنامه می گذرد.

ارزش کالاها و خدمات با پول و ارزش پول با تورم، سنجیده می شود. بنابراین نرخ بهره که بهای پول است می بایستی در سطحی تعیین شود که بخش کاهنده پول (تورم) را پوشش دهد - اعم از این که پول به وسیله بانک ها عرضه شود یا هر مؤسسه دیگری که به مبادله پول می پردازد.

هنگامی که نرخ تسهیلات کمتر از نرخ تورم است، خود به خود و بدون هیچ گونه ریسک و فعالیت پویای اقتصادی، بلکه صرفاً با دسترسی به وام های ارزان قیمت و تبدیل آن به کالاهای سودآور، به ویژه ملک و مسکن، سود چشمگیری حاصل می شود. این شرایط، موجب تقویت قدرت و سلطه ارباب تجارت و فروش در قبال تنزل و حتی تعادل قیمت ها می گردد. مثال بارز آن در بخش مسکن مشهود است. سازندگان مسکن، نقدینگی مکفی دارند و نه تنها وجود نقدینگی مکفی نزد آنان موجب کاهش بهای مسکن نمی شود، بلکه آنها را قادر می سازد تا در قبال کاهش احتمالی قیمت ها مقاومت به خرج دهند و از فروش واحدهای نیمه ساخته و حتی کامل، خودداری ورزند. در حالی که در زمان تنگنا و فشار مالی، سازندگان مسکن، نه تنها با فروش واحدهای کامل بلکه با پیش فروش واحدهای نیمه ساز به زیر قیمت های روز، مشکلات نقدینگی خود را رفع می کنند. لذا جدا و مستقل کردن نرخ بهره از تورم، فایده ای در کاهش و کنترل نرخ تورم نداشته بلکه با هجوم و فشاری که در شاخه تقاضای پول پیش می آید، عملاً تورم را بیش از پیش تشدید می کند. بنابراین اگر با واقع بینی، نرخ بهره را متناسب با تغییرات نرخ تورم تنظیم کنیم، از یکسو، عامل ارزان قیمت فراوانی (پول) در اختیار عواملان اقتصادی قرار نمی گیرد که از آن ناصحیح و غیربهبینه استفاده کنند و از سوی دیگر، کارفرمایان، به دلیل واقعی و معنادار بودن هزینه و بهای پول، در گردش فعالیت های اقتصادی:

(محصول) ← (پول) ← (محصول) ← (پول)

و سیکل تولید و فروش، تسریع لازم را رعایت می کنند که در حفظ رونق و گردش فعالیت های اقتصادی مؤثر است. به علاوه، استفاده بیشتر از عامل ارزان و فراوان، نشان از سوء نیت یا سوء استفاده صاحبکاران اقتصادی ندارد، بلکه دقیقاً تجلی قوانین اقتصادی است که طبق آن، توسل و اتکا به عامل ارزان قیمت به دلیل سودآوری بیشتر، پرانگیزه تر و موجه تر است.

بنابراین بهای پول باید واقعی بوده و به بهای ذاتی خود نزدیک باشد. چنین قیمتی معنادار بوده و در محاسبات هزینه - فایده، مطمع نظر قرار می گیرد و در هر ارزیابی اقتصادی، هزینه حفظ کالا و تأخیر در تبدیل آن به پول (احتکار) رقم معناداری می شود که صاحبان کالا را به انتخاب بهینه هدایت می کند - انتخابی که در آن، میان